



مجید علویور دانشجوی دکتری تاریخ

حسن ارسنجانی در سال ۱۳۰۱ خورشیدی در تهران در خانواده‌ای روحانی به دنیا آمد. پدرش سید محمدحسین ارسنجانی، یک روحانی رده پایین اهل ارسنجان فارس و از طرفداران انقلاب مشروطه بود که به اتفاق خانواده و همراه نیروهای بختیاری جهت اعاده مشروطیت به تهران مهاجرت کرد.

حسن ارسنجانی دوره ابتدایی را در «دبستان پهلوی» و دوره دبیرستان را در دبیرستان‌های «دارالفنون» و «سن لونی» به پایان رساند، سپس در دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه تهران مشغول به‌تحصیل شد. وی هنگام تحصیل در دوره کارشناسی در بانک کشاورزی و پس از مدتی تهیه طرح تأسیس تعاونی‌های روستایی را به عهده گرفت و بعدها به ریاست آنجا رسید. اما از آنجا که این کار در تضاد با منافع مالکین بود، با مخالفت و تحریک و حتی تهدید جانی علیه او همراه و منجر به کناره‌گیری وی از این کار شد. ارسنجانی از سال ۱۳۳۱ شروع به نوشتن مقاله در روزنامه‌های «نبرد» و «ایران ما» با نام مستعار (شیخ حسن محلاتی) کرد. وی بعدها به کمک شخصی به نام خسرو اقبال در دادگستری درخواست کبر سن داد تا بتواند برای خود و به‌صورت مستقل مجوز نشریه‌ای به‌نام «داریا» را کسب کند ولی موضوع بعدها در دوره مجلس پانزدهم شورای ملی، دستاویزی برای مخالفان وی جهت رد اعتبارنامه‌اش شد.

نگاهی به زندگی و کارنامه سیاسی حسن ارسنجانی وزیری برای اصلاحات ارضی

کار آوردن دولت قوام السلطنه - که به عقیده ما کلید آذربایجان را در دست داشت - شوشم و اوضاع به همین منوال پیش برود، چه باید بکنیم؟ آیا باید در تهران بمانیم وسرگرم حرف زدن بشویم، یا آنکه تهران را ترک کنیم و به افراد وطن پرست جنگلی ملحق شویم.» انتخابات پانزدهمین دوره مجلس شورای ملی در پی آن سرکوب شورش جدایی طلبانه «حزب دموکرات» در آذربایجان برای قوام اعتبار زیادی در فضای سیاسی آن روز ایران به ارمغان آورد. از سوی دیگر با خروج ارتش شوروی از شمال کشور؛ نقش مستقیم این کشور در تحولات این دوره کاسته شده بود. با این حال سیاست پیچیدهتر انگلستان در نواحی جنوبی کشور همچنان نقش مهمی در بازی انتخابات ایفا می‌کرد و دربار به صورت ویژه به ایلات مرکزی که مرعوب سرران وفادار ارتش بودند، دل بسته بود. قوام بر دستگاه اجرایی و انتخاباتی تسلط داشت، اما قدرت اصلی او در تهران، خراسان، اصفهان ومازندران وگیلان نهفته بود.

انتخابات مجلس پانزدهم به دولتی میان شاه و قوام شباهت داشت که برد دیگر قوام با تشکیل «حزب دموکرات» که متشکل از افرادی با انواع خاستگاه‌های اقتصادی، تعلقات فکری و مطامع سیاسی بودند، قدرت دبار و شاه را به چالش می‌کشید. شدت اختلافات میان اعضای حزب دموکرات به حدی بود که روزنامه «قیام ایران» آن را حزبی متشکل از گرگ و کوسفند نامیده بود که میلیونر، کارخانه دار و تجار قدرتمندی که به زور از مردم پول می‌گیرند و آنها را به وحشت می‌اندازند و با رشوه به پای صندوق‌های رای می‌برند، در آن جمع شده‌اند. خارج کردن ارتش شوروی از ایران و در پی آن سرکوب شورش جدایی طلبانه «حزب دموکرات» در آذربایجان برای قوام اعتبار زیادی در فضای سیاسی آن روز ایران به ارمغان آورد. از سوی دیگر با خروج ارتش شوروی از شمال کشور؛ نقش مستقیم این کشور در تحولات این دوره کاسته شده بود. با این حال سیاست پیچیدهتر انگلستان در نواحی جنوبی کشور همچنان نقش مهمی در بازی انتخابات ایفا می‌کرد و دربار به صورت ویژه به ایلات مرکزی که مرعوب سرران وفادار ارتش بودند، دل بسته بود. قوام بر دستگاه اجرایی و انتخاباتی تسلط داشت، اما قدرت اصلی او در تهران، خراسان، اصفهان ومازندران وگیلان نهفته بود.

انتخابات مجلس پانزدهم به دولتی میان شاه و قوام شباهت داشت که برد دیگر قوام با تشکیل «حزب دموکرات» که متشکل از افرادی با انواع خاستگاه‌های اقتصادی، تعلقات فکری و مطامع سیاسی بودند، قدرت دبار و شاه را به چالش می‌کشید. شدت اختلافات میان

حسن ارسنجانی در دولت علی رزم آرا مشاور وی شد و در سال ۱۳۲۱ به‌عضویت حزب «میهن پرستان»درآمد، ولی دیری نپایید که از این حزب جدا شد و به حزب پیکار پیوست. او در سال ۱۳۲۲ همراه افرادی همچون محمد تقی بهار ملقب به ملک الشعراء بهار، محمود محمود، رضا آذرخشئی و… حزب «آزادی ایران»را پایه‌گذاری کرد و در پی تشکیل حزب دموکرات توسط احمد قوام السلطنه پس از موافقت بیشتر اعضای حزب با آنها ائتلاف کردند. وی طی مدت کوتاهی چنان به قوام نزدیک شد که همه جا با وی بود و اغلب نطق‌های آتشین قوام را او می‌نوشت. حسن ارسنجانی تا پیش از انتخابات مجلس پانزدهم مدت کوتاهی در شهرداری رشت مشغول به خدمت شد، وی علت رفتنش به رشت را همراهی با آزادیخواهان گیلانی که بنزگی «حزب جنگل» را تشکیل داده بودند عنوان می‌کرد. هسته مرکزی حزب جنگل را آزادیخواهان و افرادی خوشنام که امتحان خود را قبلاً در مبارزات دوشادوش با میرزا کوچک خان جنگلی پس داده بودند، تشکیل می‌دادند. رفته‌رفته بر مجموع طرفداران افزوده شد. ارسنجانی در این زمان دوباره به گیلان آمد؛ خود وی در این باره می‌گوید: «فرض ما بر این بود که اگر موفق به روی



فرات‌گزارش اصلاحات ارضی توسط علی امینی در حضور محمد رضا پهلوی.حسن ارسنجانی در تصویر حضور دارد

کشور گسترده بود ونیز از طریق پیوندهای خود با سرشناسان محلی و دسترسی از گرگ و کوسفند مالی موفق شد انتخابات را به‌گونه‌ای برگزار کند که احزاب، گروه‌ها و نامزدهای رقیب از صحنه طرد شوند. حسن ارسنجانی گرچه شناخت مناسبی از گیلان نداشت، اما از طرف قوام از شهربی که خانه دوم او محسوب می‌شد، رضا اردمنش بود. به‌نظر می‌رسید معاملات پنهانی میان حزب توده و دموکرات، فضا را برای قوام در مناطق شمالی بازتر کرده بود. بررسی اعتبارنامه ارسنجانی در جلسه‌سیزدهم، پانزدهمین مجلس شورای ملی در حالی برگزار شد که وی در شرایط ویژه‌ای قرار داشت.

شرایط ویژه او از آن جهت بود که وی به حدی به قوام نزدیک شده بود که در واقع نورچشمی او به حساب می‌آمد و از سویی آن شمیری وکالت داشت که بسیاری آن را شهر اصلی قوام می‌دانستند، در واقع مخالفین با رد اعتبارنامه وی اعتبار کردن او در صد بی اعتبار کردن قوام و قدرت نمایی دربار را برابری دولت بودند.

خصوصیات اخلاقی و شهوت خودنمایی ارسنجانی در جلسه تأیید اعتبارنامه‌اش هم از جمله عواملی بود که او را در شرایط ویژه‌ای قرار داده بود. ارسنجانی از همان



نشست‌مطالعات تاریخ معاصر ایران

نزدیکان قوام و از اعضای حزب دموکرات بود، اما گویی ارسنجانی تصمیم داشت برای کسب شهرت به همه چیز و همه کس دست‌اندازی کند. وی در جریان این مخالفت چنان مورد تمسخر و اعتراض سایر نمایندگان و حتی تماشاچیان مجلس قرار گرفت که رئیس جلسه به ناچار جلسه را تعطیل و ادامه آن را نیم‌ساعت بعد با تذکر و تهدید جدی حصار برگزار کرد. ابتدا دکتر رضازاده شفق در دفاع از انتخابات آذربایجان سخنرانی کرد و گفت: «بنده تشنجات از این قبیل را برای مجلس حقیقتاً مضر می‌دانم، مجلس در آینده احتیاج شدیدی به همکاری تمام آقایان دارد، ما وظایف بسیار مهم، سنگین و کمرشکنی داریم و کشور منتظر انجام این وظایف است، پس تا آنجا که ممکن است جنگ اعصاب یا اینکه بعضی‌ها بخواهند همدیگر را تحریک کنند بهتر است که آقایان آنها را کنار بگذارند.» این اعتراض به مثابه انتخار برای این منتخب جوان بود و فضای مجلس را به اندازه‌ای علیه او برگرداند که به ناچار و با بهانه مضحک

ا و سروده بود:

هر کو در اضطراب وطن است بیچاره و نژند چون من نیست مرد از عمل شناخته گردد مردی به شهرت و به سخن نیست نام از حسن نهند چه حاصل آن را که خلق و خوی «حسن» نیست با این حال بیشتر سیاسیون آن دوره، ارسنجانی را فردی تندرو و بسیار غیرقابل

«چون متوجه ۳ اسامی آقایان نبودم و اشتباه در اسامی شده بود!» اعتراضش را پس گرفت اما کار از کار گذشته بود و به هنگام بررسی صلاحیت او بشدت مورد حمله قرار گرفت و اعتبارنامه‌اش رد شد. حسن ارسنجانی در جریان نهضت ملی شدن صنعت نفت، شور انقلابی مردم و محبوبیت گسترده دکتر محمد مصدق را دید و به گمان اینکه «شاه» رفتنی است، در مقالاتش به مقامات درباری می‌تاخت و از شاه انتقادات می‌کرد. وی مدتی به مصدق نزدیک شد، اما در پی ترور رزم آرا به گمان اینکه مصدق در پشت صحنه این ترور بوده از او روی گردان شد سپس از قهر و استعفا مصدق، در دولت پنج روزه قوام معاون وی شد. نزدیکی ارسنجانی به قوام به‌اندازه‌ای بود که گفته شده است اعلامیه مشهور «کشتیبان را سیاستی دگر آمد» را ارسنجانی نوشته است. ارسنجانی، پس از کودتا بر ضد مصدق، به دانشگاه تهران رفت و در سال ۱۳۳۵ دانشنامه دکترای خود را دریافت کرد. از آنجا که حزب دموکرات به برادران امینی بسیار نزدیک شده بود، در دولت علی امینی که با حمایت و پشتیبانی آمریکا که به شرط پذیرش طرح تقسیم ارضی تشکیل شد، وزیر کشاورزی و مسئول اجرایی کردن طرح اصلاحات ارضی شد زیرا پیش از این هم در مقالات خود به قشر قدرتمند

منابع:

-ایراهامیان، پرواند. ایران بین دو انقلاب، ترجمه احمد گل‌محمدی و محمدابراهیم فتاحی، تهران، نشر.
-ارسنجانی، نورالدین، دکتر ارسنجانی در آینه زمان، تهران، قطره
-امینی، علی، رجال عصر پهلوی به روایت اسناد (ج۲)، تهران، مرکز بررسی اسناد تاریخی
-شیحیعی، زهرا، نخبگان سیاسی ایران از انقلاب مشروطیت تا انقلاب اسلامی ج ۳، تهران، انتشارات سخن
-عاقلی، باقر، شرح حال رجال سیاسی و نظامی معاصر ایران ج۳ و۴، تهران، نشر گفتار با همکاری نشر علم
-عظیمی، فخرالدین، بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران، نشر آسیم
-مهدی‌نیا، جعفر، زندگی سیاسی قوام السلطنه، تهران، انتشارات پاساگردا.
-روحانی، سیدحمید، رژیم صهیونیستی و اصلاحات ارضی شاه، فصلنامه تخصصی پانزده خرداد، ش ۳، بهار
-لو، فرشه مشروح مذاکرات مجلس شورای ملی



مونا فاطمی‌بزاز کارشناس ارشد تاریخ اسلام

ساخت فرهنگ و تمدن مشرق‌زمین از موضوعات پرچابه در بین پژوهشگران غربی است که در دوره‌های مختلف تاریخی و به‌طور خاص از عصر روشنگری به بعد به اهداف و انگیزه‌های گوناگون جالب توجه بوده است. «درحالی که جنبه‌های استعماری در مطالعات شرقی انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها بیشتر دیده می‌شد، در دنیای آلمانی‌زبان‌ها این نگاه سودجویانه کم‌رنگ‌تر بود. دستاورد نگرش اخیر، دیدایی تحقیقاتی‌شد که محققان آن رویکردی علمی‌تر داشتند. آنه‌ماری شیمیل مشرق‌شناس، مورخ تاریخ اسلام و مولوی پژوه از برجسته‌ترین این اندیشمندان است.

آنه‌ماری شیمیل هفتم آوریل سال ۱۹۲۲میلادی در ارفورت آلمان و در خانواده‌ای پروتستان مذهب متولد شد. مادرش خانه‌دار و پدرش کارمند اداره پست و تلگراف بود. خانواده مادری او دربانو بودند که مهم‌ترین ره‌آورد زندگی در کنار آنه‌امری نبود جز اشتیاق آنه‌ماری به آشنایی با فرهنگ ملل مختلف و برخورداری وی از روحیه تسامح و تساهل.

عرفان و فلسفه‌دوستی پدر و کوشش او به‌منظور آموزش مهارت‌های متعدد به دخترش، چون نامه‌نگاری و تندنویسی، یا تشویق او به دانش‌اندوزی به‌نوعی دیگر بر شخصیت آنه کوچک‌سال تأثیر گذاشت. در هفت‌سالگی با خواندن کتاب داستانی‌که ریشه در فرهنگ شرقی داشت، بسیار زود هنگام اما مصمم، راه آینده را برای خود ترسیم کرد. «انسان‌ها در خواب‌اند و آن هنگام که می‌میرند، بیدار شوند» بندی از آن روایت بود که به نقل از شیمیل، چون آذرخش بر خاطر او اثر گذاشت. آن او می‌گوید «در این لحظه می‌دانستم که این‌راه، راه من است و مشرق‌زمین، این شرق حکمت عارفانه مقصود من است». ۱۰ سال بعد متوجه شد آن گزاره نغز و نیکو سخنی از محمد(ص) پیامبر مسلمانان است.(۱)

سال ۱۹۳۳ وقتی که یازده ساله بود، آدولف هیتلر به‌صدراعظمی آلمان رسید. شیمیل در خاطرات خود یادآور می‌شود تا چه حد این موضوع موجب ناراحتی پدر و مادرش شد. در پانزده‌سالگی به‌علت شیفتگی فیروان به زبان‌های شرقی، مطالعه زبان عربی را زیر نظر دکتر هانس البزرگ آغاز کرد. این در حالی بود که در آن تاریخ، بعضی از مردم آلمان به‌علت برخی احساسات نژادپرستانه دید مثبتی به عرب‌ها نداشتند و آنه آموختن این زبان شرقی را از هم‌کلاسی‌های خود پنهان می‌کرد. دوسال بعد، در سرایز نینز کتاب آموزش عربی آنه‌اماری از او گرفته و از خواندش محروم می‌شود.

پس از اخذ دیپلم شیمیل ناچار به انجام ۶ ماه خدمت سربازی شد چون سال ۱۹۴۱ با شروع جنگ آلمان و شوروی، وقتی که فقط نوزده سال داشت از رساله دکترای خود با عنوان «خلیفه و قاضی در مصر در اواخر سده‌های میانه» دفاع کرد. دوران دانش‌آموختگی در کنار درس و پژوهش‌های دانشگاهی، تابستان‌ها در کارخانه تولید تلفن کار می‌کرد. پس از فارغ‌التحصیلی اما شغلی مناسب‌تر یافت و در وزارت

بدون انجام این خدمت امکان نامنویسی در دانشگاه نبوده است.

وی در دوران سربازی با نگاهستن نامه‌ای به امام‌جماعت مسلمانان در برلین، از او می‌خواهد فرصتی فراهم آورد تا به لاهور سفر کند. او در نامه‌اش نوشته بود، به‌منظور آشنایی بهتر با آیین محمدی و زبان‌های هندی و عربی تمایل دارد به‌مدت یک سال با خانواده‌ای لاهوری زندگی کند. این خواسته او از وی تحقق نیافت، اگرچه بعدها در ۱۹۸۲ جایبانی در لاهور به نام آنه‌ماری شیمیل نامگذاری شد. سپتامبر ۱۹۳۶ همزمان با حضورش در اردوگاه، آتش دومین جنگ جهانی افروخته شد.

با شروع جنگ آنه‌اماری برای رهایی از خدمت اجباری او را به‌بشتر نداشت، یا پزشکی بخواند یا علوم طبیعی که راه دوم را برگزید. ضمناً با تحصیل در رشته علوم طبیعی در کلاس‌های شرق‌شناسی هم حاضر می‌شد. سرانجام متأثر از ارست، کولن، مدرس مطالعات هندی-اسلامی، به‌طورکلی رشته طبیعی را کنار گذاشت. مطالعه رسمی زبان‌های عربی و فارسی و ترکی و پژوهش‌های شرق‌شناسانه‌او از همین مرحله آغاز شد. سال ۱۹۴۱ با شروع جنگ آلمان و شوروی، وقتی که فقط نوزده سال داشت از رساله دکترای خود با عنوان «خلیفه و قاضی در مصر در اواخر سده‌های میانه» دفاع کرد. دوران دانش‌آموختگی در کنار درس و پژوهش‌های دانشگاهی، تابستان‌ها در کارخانه تولید تلفن کار می‌کرد. پس از فارغ‌التحصیلی اما شغلی مناسب‌تر یافت و در وزارت



سلیات فارو

امور خارجه استخدام شد. وظیفه اصلی او در وزارتخانه، ترجمه نامه‌نگاری‌ها و نوشته‌های ترکی بود. یکی از هم‌زمان با اشتغال در دستگاه امور خارجه، دو تحقیق تاریخی تدوین کرد، یکی تصحیح تاریخ حلب ابن‌ندیم و دیگری تنظیم فهرست اعلام عربی ابن‌ایاس. شیمیل در همین مدت و در آخرین سال جنگ، یعنی ۱۹۴۵ که پدرش را در اردوگاه جهانی از دست داد، رساله استادی خود را هم به‌پایان رساند. موضوع این رساله‌اش حکمان نظامی در امپراطوری مملوکان بود. در خاتمه‌جنگ زیر نظر امریکایی‌ها در شهر ماربورگ مدتی در اسارت زیست تا پس از صلح که به‌تدریج زمینه آزادی او و دیگر کارکنان وزارتخانه فراهم شد.

در این برهه، نداشتن شغل و پریشانی و افسردگی ناشی از آن موجب شد به خودکشی هم فکر کند. او تصمیم گرفته بود در رود راین به این سرگردانی خود پایان دهد.اما سرانجام، سال ۱۹۶۵ پس از سفری به آمریکا زمینه تدریس او در دانشگاه هاروارد مهیا شد. او در دوره لیسانس تاریخ، کلاس‌های فرهنگ هند و اسلامی برگزار می‌کرد. در کنار تدریس در هاروارد بین سال‌های ۱۹۶۷ - ۱۹۹۲ همایش‌های گوناگونی در خصوص خوش‌نویسی اسلامی برگزار کرد. ۱۰ سال نیز در موزه متروپولیتن آن کشور در جایگاه کارشناس خط‌های اسلامی افتخار همکاری داشت. خواندن متن‌های عربی و فارسی و دیگر زبان‌های شرقی در آثار هنری، و وظیفه‌های او در موزه بود. بخش عمده‌ای از پژوهش‌های شیمیل بررسی زوایای گوناگون زیست مولوی (۶۰۴ - ۶۷۲ هجری قمری) شاعر، صوفی و عارف شرقی است. کتاب «شکوه شمس» در کارنامه او نشانی آشکار از شیفتگی‌اش به مولانای فارسی‌زبان است. استادی و مهارت او در بررسی تاریخ‌حیات مولانا و آثارش موجب شده است، همانا از شیمیل در مقام مولوی‌شناسی برجسته یاد شود. از دیدگاه او «گسترش شعر رومی آن قدر وسیع است و از نظر جنبه‌های مختلف تجربه عرفانی به قدری غنی است و در عین حال به قدری انسانی‌که جدی و تعجب‌نادار. آثار عظیم او طی قرن‌ها بارها تفسیر شده است و بخش عظیمی از شعر عرفانی اسلام از او متأثر شده است و رنگت‌انگیز نیست که اشعار او در گستره امپراطوری عثمانی یا در

سواحل هندوستان و شرق بنگلادش یا در سراسر گیتی خوانده شود.» شیمیل همواره در فرصت‌های گوناگون با مسافرت به کشورهای آسیایی و آفریقایی کوشید از نزدیک با زیست مردمان مشرق‌زمین آشنا شود. به‌طور خاص، از ۱۹۵۸ به سرزمین‌های شرقی -اسلامی متعددی چون سوریه، اردن، مصر، سودان، تونس، مراکش، عربستان، افغانستان، پاکستان و… سفر کرد. او پیش و پس از انقلاب اسلامی به ایران هم آمد. نخستین سفر او در ۱۹۳۶ بود و دیگر بار در ۱۹۷۱ با هدف حضور در جشن‌های دوهزاروپانصد ساله رهسپار ایران شد. سال‌های پس از انقلاب هم در ۱۹۹۵ و سپس ۲۰۰۲ به کشورمان سفر کرد. در مسافرت اخیرش با برپایی فرهنگ‌ها تحت عنوان عرفان: پلی میان فرهنگ‌ها از شخصیت علمی شیمیل تحلیل شد و دکترای افتخاری از دانشگاه الزهراء تهران دریافت کرد.

دوران بانزشتگی شیمیل نیز با پژوهش و کوشش در حوزه‌های تاریخ اسلام و شرق‌شناسی سپری شد. از جمله فعالیت‌های او در این برهه همکاری با سازمان کنفراس اسلامی (۲) بود که در مطالعات تاریخ و فرهنگ هندی - اسلامی با این سازمان مشارکت داشت. آنه‌ماری شیمیل در هشنادویک‌سالگی و پس از سال‌ها سختکوشی در مسیر‌شناسخت و شناسایی دنیای شرق، قرن‌ها بارها تفسیر شده است و بخش عظیمی از شعر عرفانی اسلام از او متأثر شده است و رنگت‌انگیز نیست که اشعار او در گستره امپراطوری عثمانی یا در

منابع در دفتر روزنامه موجود است